

دهه اول محرم الحرام ۱۴۴۶ هجری قمری، بحث جهاد اکبر

مسجد جامع دانشگاه شیراز

جلسه دهم

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۴۶/۰۱/۰۹ هجری قمری مقارن با ۱۴۰۳/۰۴/۲۵ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَنَتِيجَةِ الْعَالَمِ، هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِرُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ؛»

«قال الامام ابو عبد الله الحسين عليه السلام:»

فَإِنَّ ثَوَابَ اللَّهِ أَعْلَى وَأَتَبْلُ

فَقَتَلُ امْرَأَتِي بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ

فَقَلَّةُ سَعْيِ الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُ

فَمَا بَالُ مَرْئُوكَ بِهِ الْمَرْءُ يَبْخُلُ. ۱»

«فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفِيسَةً

وَإِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِمَوْتٍ أَثْنَتُ

وَإِنْ تَكُنِ الْأَرْزَاقُ قِسْمًا مُقَدَّرًا

وَإِنْ تَكُنِ الْأَمْوَالُ لِلتَّرِكَ جَمْعُهَا

شب عاشورای حسینی، شب حزن، اندوه، سوگ، آه و بکاء است. ان شاء الله این حزن و اندوه ما مایه سرور و فرح ما در یوم المعاد ما بوده باشد به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم).

پیش از شروع در مباحث امشب نکته‌ای را تذکار بدهم آماری که من قبلاً داشتم و نمی‌دانم آیا این آمار هنوز پابرجاست یا نه؟ این بود که هیئت محبین اهل بیت (علیهم السلام) بزرگ‌ترین هیئت دانشجویی کشور است و این افتخار، افتخار دانشگاه شیراز فقط نیست، افتخار شهر شیراز فقط نیست؛ بلکه افتخار کشوری است و باید به این اجتماع عظیم علمی و فرهیختگانی بالید؛ چون کار اجرایی کردم و پشت‌صحنه کار اجرایی را می‌دانم؛ ما گاه یک همایش نیمروزی برگزار می‌کردیم و برای این همایش دو ماه باید پیش از آن می‌دویدیم تا این همایش درست برگزار شود، برگزاری هیئتی در این تراز علاوه بر زحماتی که دارد دارای مخارج مالی است و عزیزان این را باید بدانند؛ از مسئولین هیئت شنیدم امسال این غذایی که شما میل می‌کنید که دو سال است که دیگر از اول محرم نمی‌شود این غذا توزیع بشود و از شب ششم یا هفتم برنامه اطعام برگزار می‌شود، بین هشتصد میلیون تا یک میلیارد فقط هزینه غذا است و دو تا پروژکتور گرفته شده که این‌ها ده‌ها میلیون قیمتش است و دانشگاه نیز کمک می‌کند. اکنون غذا را دانشگاه طبخ می‌کند و نیروهای خدماتی را اضافه‌کار می‌دهد بایستند؛ ولی درعین حال کمک دانشگاه هم محدود است با اینکه دفتر نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه پشتیبان است و کمک می‌کند؛ ولی همه این کمک‌ها در کنار کمک‌های مردمی ناچیز است و حیف است این افتخار شهر شیراز، افتخار دانشگاه‌های کشور بخواهد به‌خاطر کمبود مسائل مالی ضعف ببیند. پس تقاضا این است که به نیت گذشتگان خودتان پدران و مادران برای سلامتی خانواده خودتان دست به جیب کنید، یک سال در این مکان گفتیم؛ اما خیلی نتیجه نداد؛ زیرا هیئت محبین با حدود سی سال سابقه نیاز به امکانات ماندگار دارد و اگر کسی می‌تواند وقفی داشته باشد زمینی، ملکی یا آپارتمانی مطلوب است؛ زیرا بالاترین چیزی که در این دنیا برای انسان باقی می‌ماند اوقاف است که من صدسال

یا دویست سال در خاک خوابیدم و این وقف دارد کار خودش را می‌کند و من دائماً دارم ثواب می‌بینم؛ همت کنید و این جلسه حسینی را که خار چشم دشمنان است را تعظیم و تقویت کنید. دوستان اطلاعاتی گفتن در اقرارهایی که بمب‌گذاران در هیئت سیدالشهدا (علیه‌السلام) داشتند به صراحت اعلام کردند که ما بعد از جلسه آن هیئت اول، مکان دومی که می‌خواستیم در شیراز بمب‌گذاری کنیم مسجد دانشگاه شیراز بود. اگر این مجلس خار چشم نبود یقیناً آن قدر مورد توجه بین‌المللی قرار نمی‌گرفت؛ چون آن‌ها سر در آخور غربی‌ها داشتند.

ان‌شاءالله خدای متعال سفره اباعبدالله را روزبه‌روز رنگین‌تر کند و ما را در این سفره بیش‌ازپیش شریک کند به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

امام حسین (علیه‌السلام) روز عاشورا بخشی از سخنانش اشعاری بود که می‌خواند و این اشعار هم دو دسته بود انشادی و انشایی؛ معنی انشادی این است که شعر مال شخص دیگر بود و حضرت بر زبان جاری می‌کرد؛ معنای انشایی یعنی حضرت همان جا شعر می‌سرود این بیت شعری که خواندم از اشعار انشایی اباعبدالله (علیه‌السلام) است؛

ترجمه شعر: اگر دنیا نفیس است آخرت بالاتر است و آخرت گران‌قیمت‌تر است.

در جریان کربلا و عاشورا مکرر این بحث نسبت‌سنجی دنیا و آخرت مطرح شده است و چند بار فقط در شبانه‌روز عاشورا این مطرح شده و این دلالت بر اهمیت این بحث دارد که چه نسبتی است بین دنیا و آخرت و ما باید با دنیا و آخرت چگونه تعامل کنیم؟

این مطلب در کلمات اباعبدالله (علیه‌السلام) و در کلمات اصحاب اباعبدالله (علیهم‌السلام) و در رجزهایی که خواندند مکرر آمده و این بحثی است که در دین ما پر بها و پرمایه است و باید در آن دقت کنیم.

با این طنز مسئله را شروع کنم گفت طرف رفته بود لیوان بخرد دید درب مغازه فروشنده لیوان‌ها را چیده، منتها برعکس چیده بود، آقای خریدار ساده رو کرد به فروشنده و گفت: آقا لیوان‌ها همه چیزش خوب است؛ اما دو تا اشکال دارد اشکال اولش این است سرش بسته است اشکال دومش این است ته آن باز است، آقای فروشنده لیوان را برداشت برعکس کرد و گفت: ببین عزیز من اگر درست نگاه می‌کردی می‌دید سرش باز است و ته آن بسته است.

مشکلی که بشریت امروز دارد مشکل جهان‌بینی است، مشکل زاویه دید است، مشکل این است که انسان نمی‌داند باید به جهان، انسان، خدای جهان و انسان چگونه نگاه کند!

نمی‌داند باید نگرشش به دنیا چگونه باشد!

نگرشش به عقبی و آخرت چگونه باشد!

این دغدغه در وجود انسان درست تفسیر نشد. دین ما هم می‌گوید: اگر نگرش شما به دنیا درست بود، دنیایی که داری در آن زندگی می‌کنی ممدوح است و جای خوبی است.

به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): {إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَدَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا وَدَارُ غِنًى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَدَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اِنْعَظَبَهَا، مَسْجِدٌ أَحْبَبَ إِلَهُهُ وَمُصَلًّى مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَمَهْبِطٌ وَحَى إِلَهُهُ وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ {اَلْاَكْسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَرَبُّهَا الْجَنَّةُ.}} محل تجارت اولیای الهی است.

به تعبیر امام هادی (علیه‌السلام): {الدُّنْيَا سُوقٌ رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ {وَخَسِرَ آخِرُونَ ۲}} «دنیا بازاری است که یک عده در او بردند و سود کردند؛ اما اگر نگرش تو به دنیا و آخرت درست نبود این دنیا برای تو می‌شود دنیای مذموم؛

فرق‌های دنیای ممدوح و دنیای مذموم را در این شب عاشورا آن قدر که به من فرصت و وقت اجازه می‌دهد بیان می‌کنم تا اگر شما نگاهتان به دنیا نگاه خطایی بوده است یا اگر به آخرت نگاه خطایی بوده است، تصحیح بشود که فرق عمده حسینی‌ها با یزیدی‌ها همین بوده است؛ حسینی‌ها دنیا و آخرت را درست شناختند و نسبت بین این دو را درست فهمیدند و یزیدی‌ها درست نفهمیدند و ان‌شاءالله توشه امشب ما باشد به روح مطهر صاحب امشب سید و سالار شهیدان هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛

اولین فرق دنیای ممدوح و دنیای مذموم این است که انسان مؤمن دنیا را که نگاه می‌کند می‌بیند این دنیا یک باطنی دارد غیر از این ظاهر و به آن باطن هم توجه می‌کند؛ اما انسان منافق و کافر انسانی که جهان‌بینی‌اش درست شکل نگرفته است و بر واقعیات منطبق نیست، فقط ظاهر دنیا را می‌بیند.

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۳، انسان‌های بدبخت و بیچاره این‌ها کسانی هستند که ظاهر حیات دنیا را می‌بینند؛ ولی از حقیقت این دنیا و باطن این دنیا که آخرت است، غافل‌اند؛ عجیب است پس دنیا باید برای من آیتی باشد برای آخرت این هنر را باید داشته باشم من با دنیا باید آخرت را بینم. تعبیر امام رضا (علیه‌السلام) که ولی نعمت ما ایرانی‌ها است فرمود: «{وَقَدْ عَلِمُوا الْأَلْبَابَ} أَنَّ الْأَسْتِذَالَ عَلَى مَا هُنَاكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بِمَا هَاهُنَا»^۳. عالم بالا فهمیده نمی‌شود مگر به آنچه که در اینجا است. یک نمونه عرض کنم؛

ما می‌میریم، پژمرده می‌شویم، افسرده می‌شویم، زنده می‌شویم؛ قرآن کریم می‌گوید: این را ببین! هر ساله ببین چرا مسائل در چشمتان عادی می‌شود! می‌روی در جنگل، می‌روی در باغ، می‌بینی گل، گلستان، برگ، میوه و درخت و انسان کیف می‌کند همین باغ را زمستان برو داخل آن می‌بینی تعدادی درخت لخت و عور، بی‌برگ و بار و هر سال این فرآیند تکرار می‌شود. دوباره بهار که می‌شود «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»^۵. آب باران می‌آید، گرما می‌آید، درخت آرام آرام برگ می‌گیرد، شکوفه می‌گیرد و میوه می‌شود؛ این گلابی آبدار، این سیب آبدار، این میوه‌های استوایی، این میوه‌های زمستانی، تابستانی و پاییزی؛ خداوند می‌فرماید: «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ»^۶، قیامت نیز همین است من که می‌توانم درخت مرده را زنده کنم، من نمی‌توانم چهارتا استخوان، خاکستر و پوست را زنده کنم؟

و لذا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به صراحت فرمودند: «مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَهُ وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ»^۷، دنیا این جوری است، اگر با عینک دنیا آخرت را دیدی پند می‌گیری و بینا می‌شوی؛ اما اگر فقط دنیا را دیدی دنیا تو را کور می‌کند و کور می‌شوی حقیقت دنیا ظاهری است و باطن آن آخرت است؛ آخرت را همین‌جا باید درک کرد، همین‌جا باید این باطن را دید و این فرق دنیای مذموم و ممدوح است.

اولین فرق در دنیای مذموم، من فقط ظاهری از دنیا می‌بینم؛ اما در دنیای ممدوح من از طریق دنیا آخرت را می‌بینم. و از طریق دنیا معاد و قیامت را می‌بینم.

فرق دوم، دنیای مذموم دنیایی است که من این دنیا را بدون پیشینه و بدون پسینه بینم که یک پدیده‌ای است و خودش است؛ نگاه مؤمن این نیست، مؤمن می‌گوید این دنیا پیشینه دارد، عوالم قبل از دنیا مانند عالم زر و عالم میثاق ما یک جا با خدا روبرو شدیم، با خدا حرف زدیم، خدا از ما اقرار گرفته است، «{وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ بُنَى آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ} أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى {شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ}»^۸.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: اگر آن دیدار نبود یک نفر در این دنیا خداشناس نمی‌بود. ما با خدا قبلاً دیدار داشتیم و حالا فراموش کردیم.

جناب شیخ بهایی (رحمت‌الله‌علیه) گفت:

در روز الست بلی گفتی امروز، به بستر لا خفتی^۹

دنیا یک پدیده بدون پیشینه نیست چه اینکه بدون پسینه نیز نیست؛ آخرتی در کار است. خدا رحمت کند مرحوم علامه طباطبایی (رحمت‌الله‌علیه) را سه رساله دارد؛ انسان قبل دنیا، انسان فی الدنيا و الانسان بعد الدنيا. انسان قبل از دنیا کجا بوده چه کار می‌کرده است؟

در دنیا چه کار باید بکند؟

بعد از دنیا باید چه کار بکند؟

این سه رساله جمع شده و ترجمه خوبی شده است، تحت عنوان "انسان از آغاز تا فرجام" از کتاب‌های خوب ما است. جوان‌ترها به‌خصوص بگیرند، کتاب را مطالعه کنند.

دنیای مذموم دنیایی است که از طرف پیشینه و پسینه ابتر است، خودش را می‌بیند؛ ولی این طرف و آن طرف را نمی‌بیند. قرآن می‌فرماید: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ»^{۱۰}. ظاهرین‌ها، کفار و آنهایی که دنیایشان دنیای مذموم است گفتند: تمام هستی ما همین زندگی

دنیاست؛ چرا ما در غرب، در اروپا و آمریکا اصالت المادی می‌اندیشیم؟

همه چیز پول است! اقتصاد پول است! سیاست پول است! فرهنگ پول است! چرا؟ چون تفکر این است می‌گویند من هستم و اکنون، نه پیشینه، نه پسینه دارم و الان باید خوش باشم ولو با جنایت. نهضتی که در آمریکا پدید آمد و به شدت سرکوب شد به نام نهضت وال استریت ۱۱ بود، یک در صدی‌ها! یک درصد {سرمایه‌دار} دارد بر نودونه درصد حکومت می‌کند؛ چون اصالت پول است؛ چون نگاه غلط است. کفار و منافقین گفتند: همین زندگی است یک روز از شکم مادر آمدیم یک روزم در خاک می‌خوابیم و تمام می‌شود و روزگار ما را می‌میراند!

خدا، معاد، قیامت در کار نیست. قرآن می‌گوید: این‌ها افسانه بافی است، این‌ها اهل دانش نیستند، اهل بینش نیستند.

در شب نیمه شعبان دعایی مستحب است که انسان بخواند اساتید من و علمای ما این دعا را حفظ می‌کردند و در قنوت‌هایشان می‌خواندند کوتاه شما هم این دعا را حفظ کنید بخوانید؛ اولش این است «اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ»^{۱۲}، از غرر ادعیه اهل بیت (علیهم‌السلام) است همیشه خواندنش مفید است. آخر

این دعا می‌گوید: «وَلَا تَجْعَلْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمًّا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمًا»^{۱۳}، خدایا ما بی‌سواد نمیریم کسی که از هستی، دنیا فقط بفهمد و کسی که هستی را مساوی با دنیا فقط بداند این بی‌سواد است این کم‌سواد است این مبلغ علم، مبلغ یعنی محل بلوغ، این به بلوغ علمی نرسیده گفت خدایا دنیا فقط محل بلوغ علم من نباشد که من فقط دنیا بفهمم و آخرت نفهمم، عوالم قبل از دنیا نفهمم، ارتباط اینها را نفهمم!

سوم در دنیای ممدوح دنیا مقدمه است و پیش‌درآمد برای آخرت است؛ اما در دنیای مذموم این چنین نیست. دنیا پیش‌درآمد آخرت نیست.

روز عاشورا سیدالشهدا (سلام‌الله‌علیه) هرچه به شهادتش نزدیک‌تر شد صورت برافروخته‌تر شد خود اصحاب

اباعبدالله (سلام‌الله‌علیه) تعجب کردند، گفتند: «انْظُرُوا لِأَيِّبَالِي بِالْمَوْتِ»^{۱۴}، نگاهش کنید اصلاً انگار غمش نیست!

حضرت شنید! رویشان را کردند به این جوانان و اصحاب فرمودند: «صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَطْرَةٌ تَعْبُرُكُمْ

عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ»^{۱۵}، ای گرامی‌زادگان، چقدر تعبیر زیبا است، صبر داشته باشید چرا چون مرگ یک پل است و شما را دارد عبور می‌دهد از یک دنیای تنگ و تاریک و مظلوم به یک آخرت گسترده.

من روی این منبر چند بار گفتم تعبیر روایات ما این است می‌گوید این عالم دنیا با همه کهکشان‌هایش که یکی‌اش راه شیری است که هر کهکشان چند میلیون و میلیارد ستاره و سیاره دارد فرمود عالم دنیا نسبت به عالم برزخ «كحَلَقَةِ فِلَاتٍ»، مثلاً اینکه انگشترم را بیندازم در فلات تبت! چقدر جا می‌گیرد؟ یک قطره در اقیانوس آرام

چقدر جا می‌گیرد؟

حیف و صد حیف و هزار حیف که انسان وقتی به عالم برزخ منتقل می‌شود یکی از درس‌هایی که روز اول به او یاد می‌دهند و محکم به او یاد می‌دهند این است می‌گویند اینجا دهن‌لقی ممنوع! حق ارتباط با زمینی‌ها ندارید؛ لذا ما از عالم برزخ از طریق اموات بسیار کم اطلاع داریم. گاهی شده اصرار شده در خواب به بعضی از اولیا فرمودند ما اگر بگوییم در اینجا بین برزخیان مشهور می‌شویم به دهن‌لق! لذا نمی‌گوییم زیرا نمی‌خواهیم اسممان بد برده شود!

ارتباط با ما نمی‌گیرند اگر ارتباط بگیرند یک تصویری از عالم برزخ به ما بدهند یک لحظه نمی‌خواهیم در این عالم زندگی کنیم مگر اینکه ازدیاد ثواب داشته باشیم.

در خطبه متقین امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: هر شب متقین پر می‌کشند که بروند «وَلَوْلَا أَلَا جَالُ اللَّهِ

كُتِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرَفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ»^{۱۶} اگر اجل مقدر نبود این‌ها هر شب

می‌خواستند ببرند «شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ»!

اگر صد میلیارد به ما بدهند بگویند این ۱۰۰ میلیارد برای تو ولی تو را بر می‌گردانیم به رحم مادر، ۹ ماه و ۹ روز در آن در زندگی کن!

می‌گوییم ارواح عمهات همه پول مال خودت نخواستیم برویم! آنجا خون و چرک بخوریم؟!

دنیا نسبت به رحم برزخ نسبت به عالم دنیا این چنین است.

دنیای ممدوح دنیایی است که پیش‌درآمد آخرت است، دنیای مذموم دنیایی است که قرآن کریم این گونه فرمود: «

وَكَاؤُاَيُتُولُونِ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ^{۱۷}»، وقتی مردیم و خاک شدیم پوسیده شدیم استخوان‌هایمان بی گوشت و پوست شد ما برمی گردیم؟

خدای متعال در جواب فرمود خلقت اولیه که به ظاهر مشکل تر بود! مگر خلقت اولیه مشکل تر نبود؟! بنده وقتی در رحم مادرم قرار گرفتم قد و قواره‌ام به حدی بود که جز با چشم مسلح قابل دیدن نبودم. اسپرم و اوول بدون چشم مسلح دیده نمی‌شود. همین ذره‌ای که با چشم غیرمسلح دیده نمی‌شود، مغز دارد، استخوان دارد، خون دارد، گوشت دارد، پوست دارد، هوش دارد و حواس دارد؛ چون همین است که رشد می‌کند ۹ ماه بعد می‌آید به دنیا ماشاءالله به این چشم و ابرو و مو و بعضی از بچه‌ها دندان هم دارند می‌آیند به دنیا فرمود چقدر شما نقش داشتید در ایجاد این موجود؟

کار شما إماء است؛ یعنی «نقل‌المنی من مکان‌الی مکان»؛ بیشتر از اینکه شما نقشی ندارید که ما داریم ایجاد می‌کنیم حالا یک موجودی که هست را و بعد خاک شده نمی‌توانیم دومرتبه بپرورانیم و برگردانیم؟! فرق چهارم دنیای مذموم دنیایی است که کسی او را حیات برتر ببیند و دنیای ممدوح دنیایی است که لاقل رعایت اسم این دنیا را بکند ما از دنیا تعبیر می‌کنیم به چه؟

دنیا مؤنث أدنی است، أدنی یعنی پست‌ترین یعنی پایین‌ترین اینکه حیات برتر نیست که حیات عقلانی بالاترین حیات است بعد می‌شود حیات برزخی بعد می‌شود حیات مادی اگر من نگاهم به دنیا نگاه حیات برتر بود این دنیا دنیای مذموم است.

من دارم دائماً مستند قرآنی ذکر می‌کنم قرآن کریم این‌طور فرمود: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ^{۱۸}»، فرمود دنیا بازیچه و سرگرمی است، عجیب است؛ زیرا به صورت حصر بیان شده است وقتی حرف "ما" و "الا" می‌آید طلبه‌ها می‌گویند مفید حصر است گویا همه دنیا لهو و لعب است. پس می‌گوییم زندگی کجاست؟

«وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانِ»، زندگی آنجاست انشاءالله به برکت حسین ابن علی بن ابی‌طالب (علیهم‌السلام) وارد بهشت بشویم. در بهشت سیستم، سیستم اراده است در بهشت انسان نیمه خدایی می‌کند؛ روایت می‌گوید وارد بهشت که می‌شویم ملائکه می‌آیند به استقبال بهشتی‌ها می‌گویند سلام بر شما از ناحیه سلام زیرا یکی از اسماء خدا سلام است؛ سلام به شما سلام رسانده و یک جمله گفته است و یک پیام دارد پیامش این است خدای متعال می‌فرماید من، حی لایموت هستم از این به بعد شما هم حی لایموت هستید؛

هستید که هستید که هستید!

به این می‌گوییم خلود؛ بعد می‌فرماید خدای متعال: من با اراده ایجاد می‌کنم شما هم با اراده ایجاد می‌کنید. شما خانه‌ات می‌خواهی شام بخوری، نانت را باید پیدا کنی، پنیرت را پیدا کنی، گردو را پیدا کنی، تخم‌مرغی بزنی حالا ماهیتابه باشد یا نباشد! روغن باشد یا نباشد! خانم قهر باشد کمک نکند یا آشتی باشد کمک بکند! بیچاره‌ای! حالا تمام شد حالا می‌خواهی ظرف بشوری مایع ظرف‌شویی باشد یا نباشد! در بهشت که این‌طور نیست؛ «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ^{۱۹}»، با اراده کار می‌شود تعبیر روایت این است برای اهل بهشت حورالعین مثل علف سبز می‌شود در زمین بهشت. اینجا زندگی است یا آنجا؟!

اینجا انسان باید حیات را حیات برتر بداند یا آنجا؟!

اگر انسان دنیا را حیات برتر دید این دنیا می‌شود دنیای مذموم، اگر آخرت را حیات برتر دید و دنیا که اسمش دنیا است؛ یعنی أدنی، یعنی پست‌ترین، یعنی پایین‌ترین درجه حیات؛ این می‌شود حیات ممدوح.

پنجم و ششم را با هم ذکر می‌کنم. دنیای ممدوح دنیایی است که انسان به خاطر او آخرتش را ترک نمی‌کند و نیز دنیای ممدوح دنیایی است که به خاطر آخرت او را ترک نمی‌کند و این را اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) کنار هم گذاشتند و چقدر تعبیر شیرین است؛ فرمود: «لیس منا من باع آخرته بدنیاه ولیس منا من باع دنیاه بآخرته^{۲۰}»؛ کسی دنیایش را به آخرتش بفروشد از ما نیست و اگر آخرتش هم به دنیا بفروشد از ما نیست!

در دنیا باید زندگی کرد. خدای متعال فرمود زینت برای مؤمن است، لذت برای مؤمن است؛ «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ {۲۱}»

غذای خوب مال من و شما است، لباس خوب مال من و شما است، تفریح سالم و خوب مال من و شما است؛ اصلاً ما با آرامش می‌توانیم خوب بخوریم، خوب بیاشامیم، خوب بگردیم! کسی که با خدا قهر است نمی‌تواند!

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا {وَلَنُحْشِرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى {۲۲}»

کسی که خدا را ندارد از درون درگیر است، بیشترین خودکشی‌ها در پیشرفته‌ترین کشورهاست! چرا کشورهایی که حق بیکاری که یک جوان می‌گیرد گاهی از حق حقوق دو شیفت کاری این طرف بیشتر است؛ اما خودکشی می‌کند! چرا؟

چون رفاه دارد؛ ولی خدا ندارد اگر انسان دنیایش را به‌خاطر آخرتش فروخت یا آخرتش را به‌خاطر دنیایش فروخت چه می‌شود؟

بگذارید من به‌صراحت بگویم اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) به ما فرمودند: مؤمن باید شبانه‌روزش را چهار بخش کند یک بخش عبادت، یک بخش کار، یک بخش استراحت و یک بخش تفریح؛ امام معصوم فرمود این چهارمین نباشد آن سه مورد دیگر نیز نیست؛ یعنی اگر تفریح سالم نداشته باشی عبادت نیست، کارت کار نیست، استراحت استراحت نیست.

فردی دنبال امام صادق (علیه‌السلام) می‌گشت پرسان‌پرسان آمد دید حضرت آمده است باغ! باغ برادرشان در خارج مدینه! باغ مصفا با آب و گل و درخت! حضرت فهمیدند این فرد شک کرد، از آقا پرسید: آقا برای چه آمدید اینجا؟

یک کلمه فرمودند: «طَلَبْتُ التَّزَهُّةَ {۲۳}»، آمدم بگردم و تفریح کنم! اگر امام معصوم تفریح و گردش نیاز دارد، ما هم نیاز داریم! نه دنیا را باید برای آخرت آتش زد نه آخرت را باید برای دنیا آتش زد.

یک جمله بگویم بحث را تمام کنم. در دنیای ممدوح انسان ذاتیات دنیا را نادیده نمی‌گیرد؛ ولی در دنیای مضموم قاتی می‌کند!

ذاتیات دنیا را ببینید؛ روغن چرب است، روغنی که چرب نباشد روغن نیست، آب خیس است، آبی که خیس نباشد آب نیست؛ سنگ سفت است، سنگی که سفت نباشد که سنگ نیست؛ دنیا، دنیا است پس ذاتیاتش با آن هست؛

اول اینکه مانا نیست پس نمی‌ماند به پیغمبرش فرمود: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ {۲۴}»، تو هم می‌میری.

دوم در دنیا خوبی، بدی، خوشی و ناخوشی کنار هم است. آیه را بلدید با من بخوانید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا {۲۵}»؛

عسر هست، یسر نیز هست؛ یسر به‌تنهایی فقط در بهشت است و عسر به‌تنهایی فقط در جهنم است. در دنیا «إِنَّ

مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا {۲۶}» است؛ یک شب، شب عروسی تو است کبکت {خروس می‌خواند} یک شب، شب عزای تو

است همسرت سرطان می‌گیرد و می‌میرد می‌خواهی دیوانه بشوی!

ذات دنیا این است که تفاوت هست گرچه تبعیض نیست و با همین تفاوت‌ها دنیا دنیاست اگر این تفاوت نبود دنیا شکل نمی‌گرفت، می‌شد بهشت!

من دیدم، با جوان‌های زیادی برخورد کردم، افسرده است، دو بار یا سه بار خودکشی کرده است، می‌نشینی با او صحبت می‌کنی، می‌فهمی تمام مشکلتش یک کلمه است دنیا شناسی او مشکل دارد؛ زیرا تصور می‌کند در بهشت

دارد زندگی می‌کند، حالا می‌بیند شرایط بهشت نیست خودخوری می‌کند؛ پس می‌شود افسردگی!

می‌گویم عزیز دل دنیا همین است با همین باید کنار بیایی! آی کیو (IQ) ذهنی تو رشته ریاضی نیست پس اشتباه انتخاب کردی!

تو ذوق ادبی نیست پس اشتباه انتخاب کردی!

یکی حافظ می‌شود و یکی هم انیشتین می‌شود.

خدا خوبی‌ها را پخش کرده است گرچه تبعیض نیست؛ ولی تفاوت هست با این تفاوت کنار بیایم و ذاتیات دنیا را از آن نگیریم.

«فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا عَدُوًّا لِّنَفْسِكَ فَإِنَّ ثَوَابَ اللَّهِ أَعْلَى وَأَبْلَغُ {۲۷}»

اما آنجایی که اعلا است و ارزشمندتر است، آنجایی است که انسان ثواب الهی را تجربه می‌کند، بهشت خدا را تجربه کند.

در تعبیر است که هر شب جمعه، خدا به اهل بهشت مهمانی می‌دهد دلتان روشن بشود! حسین یعنی بهشت هر شب جمعه خدا به اهل بهشت تجلی می‌کند، اول مهمانی می‌دهد در این مهمانی خدا تجلی می‌کند با این تجلی

همه مدهوش می‌شوند در یک حالت فنایی به سر می‌برند و سپس خدای متعال این‌ها را برمی‌گرداند. شب عاشورا است پس نه روضه‌خوان می‌خواهیم، نه مقتل‌خوان می‌خواهیم و نه مداح، همین که چشم سر را ببندیم چشم دل را باز کنیم به صحرای عاشورا و واقعه کربلا برای ما کافی است.

امروز ظهر نیز به شما نوید دادم، گفتم آخرالزمان زمانه سرقت ایمان است و دین نگه‌داشتن سخت است به همین دلیل شاخصه به ما دادند برای اینکه ما خیالمان راحت بشود چند تا شاخصه است، یکی این است فرمود: بین نام اباعبدالله می‌آید دلت می‌لرزد یا نه؟!

اگر دیدی با یاد اباعبدالله لرزیدی و گاهی اشکی از گونه تو چکید {بدان با ایمان هستی}. فردی به امام صادق (علیه‌السلام) رسید حضرت فرمودند: روضه می‌خوانی؟! روضه‌خوانی می‌کنی؟! گفت: آقا می‌دانید زمان تقیه است، نمی‌شود مجلس روضه گرفت!

حضرت فرمودند: در خلوت چه؟

عرضه داشت یا بن رسول‌الله همین‌جوری که نشستیم یاد می‌کنم مصائب اهل بیت (علیهم‌السلام) را و اشک‌هایم جاری می‌شود، بغض گلویم را می‌گیرد، در حدی که زن و بچه‌ام نیز می‌فهمند که یک خبری شد، من از درون به هم ریخته‌ام، حضرت فرمودند: به تو بگویم تو اهل بهشتی! همین که قطره اشکی برای اباعبدالله جاری شد بهشت بر تو واجب است.

شب عاشورا است ما به سنت هر سال مقتل را این‌گونه قرائت می‌کنیم، خدا به من طاقت بدهد بتوانم دو کلمه مقتل بخوانم!

راوی امام سجاد (علیه‌السلام) است، می‌گوید: من بیمار بودم در خیمه خودم بودم و زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) من را تیمار می‌کرد، سیدالشهدا (سلام‌الله‌علیه) خطبه خواند برای اصحاب و در این خطبه همه را به حل کرد باین حال هیچ‌کس هم نرفت، همه ایستادند. حضرت تشکر کردند از اصحاب در برخی روایات داریم از بین دو انگشت مقام هر کدام را در بهشت نشان‌شان دادند و لذا روز عاشورا مثل فردایی، «کان فی ساقون الی الموت!» از هم پیشی می‌گرفتند زودتر بروند به این مقام برسند، سخنرانی امام حسین (علیه‌السلام) تمام شد، امام سجاد (علیه‌السلام) می‌گوید: سیدالشهدا (علیه‌السلام) آمدند در خیمه خودشان این خیمه متصل بود به خیمه من، زینب (سلام‌الله‌علیها) دارد من را تیمار می‌کند. وارد خیمه شدند چند بار این شعر را خواندند:

«يَا دَهْرُ أَفْ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ
مِنْ صَاحِبِ أَوْطَالٍ قَتِيلٍ
وَكُلُّ حَتَّى سَأَلَكَ سَبِيلِي {۲۸}»
كَمْ لَكَ بِالْإِشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ
وَالدَّهْرُ لَا يَقْنَعُ بِالْبَدِيلِ

معنی این اشعار را خلاصه بنخواهم بگویم این است و حضرت چند بار این شعر را خواندند گویا چند بار این جمله‌ای را که من عرض می‌کنم بر زبان راندند که جمله این است گویا سیدالشهدا (علیه‌السلام) فرمودند: اگر بار گران بودیم رفتیم!

امام سجاد (علیه‌السلام) می‌فرماید: من مرد بودم با اینکه فهمیدم غرض حضرت چیست خودم را نگه داشتم و بغض را در گلو خود خفه کردم؛ اما زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) زن است، زن‌ها رقیق‌القلب هستند، دوان‌دوان رفت خیمه اباعبدالله (علیه‌السلام)، یک گفتگویی بین این خواهر و برادر شده است، همین روضه هر ساله من است. وقتی رسیدند در خیمه خدمت اباعبدالله (علیه‌السلام) با این جمله زینب (سلام‌الله‌علیها) آغاز کرد: «وَأُثْكَلَةُ لَيْتَ الْمَوْتُ أَعْدَمَنِي الْحَيَاةَ ۲۹»، وای بر من کاش من قبل از امشب مرده بودم، عرض داشت: «الْيَوْمَ مَاتَتْ

أُمِّي فَاطِمَةُ وَأَبِي عَلِيٍّ وَأَخِي الْحَسَنُ ۳۰»، گویا امشب تازه مادر من فاطمه فوت کرده، امشب علی فوت کرده، امشب حسن فوت کرده است!

با زبان حال خودم می‌گویم گویا زینب دارد در ذهنش خاطرات را مرور می‌کند. تواریخ نوشتند امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در بستر افتاده، فرق مبارکش شکافته، حضرت ۴۸ ساعت بعد از ضربت حدوداً زنده بودند، اواخر اواخر عمر حضرت است که فرمودند: غیر خویشان بروند بیرون!

همه رفتند. چندی بعد فرمودند: غیر بنی فاطمه بروند بیرون!

آنها هم رفتند و فقط بنی فاطمه ماندند. با تک‌تکشان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) صحبت کردند، صحبت‌های حضرت تمام شد، زینب رو کرد به بابا و گفت بابا من یک خواهش دارم می‌شود خصوصی با شما عرض کنم؟!

یک حرفی دارم!

فرمودند باشد. حسن و حسین رفتند بیرون!

نشست روبروی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حالا صورت پر از اشک گفت: ابتاه! یا علی! یا امیرالمؤمنین! من از ام ایمن یک خبری راجع به داداش حسین شنیدم (می خواهد صحت انگاری کند!) امیرالمؤمنین فرمودند: «يَا بُنَيَّةُ الْحَدِيثُ كَمَا حَدَّثَكَ أُمُّ أَيْمَنَ وَكَأَنَّ بِكَ وَبِنِسَاءِ أَهْلِكَ سَبَا يَأْبَهُذَا الْبَلَدُ إِذْ لَاءَ خَاشِعِينَ ۳۱» دخترم روایت درست است و خبر همان است که ام ایمن به تو گفته است.

حال آن شب رسیده است جلوی اباعبدالله نشسته است و عرضه داشت: الان مادرم فوت کرد! الان پدرم فوت کرد! الان برادرم فوت کرد!

ادامه سخن زینب این است: «يَا خَلِيفَةَ الْمَاضِينَ وَثِمَالَ الْبَاقِينَ ۳۲» ای کسی که تو جانشین گذشتگانی و ای کسی که فریادرس و دادرس باقی ماندگان هستی!

چون مضطرب است، امام (علیه السلام) باید آرامش کند، حضرت را کردن به زینب کبری (علیها السلام) فرمودند: «يَا أُخَيَّةُ لَا يَذْهَبَنَّ جَلْمُكَ الشَّيْطَانُ ۳۳» خواهرم مواظب باش شیطان حلم تو را نرباید.

زینب کبری (علیها السلام) وقتی این جمله را شنید یک جمله گفت و صدا زد برادر! «أَسْتَسَلِمَتِ لِمَوْتٍ؟»، واقعاً کار تمام است و دیگر رفتنی هستی؟!

من زینب بی حسین می شوم! تن به شهادت دادی؟!

حضرت نفرمودند آره! نفرمودند نه! به زبان کنایه سخن گفتند!

فرمودند: «لَوْ تَرَكْتُ الْقَطَا لَنَامَ ۳۴».

اگر مرغ قطات را می گذاشتند در آشیانه می آرامید؛ می گویند وقتی این جمله گفته شد زینب کبری (سلام الله علیها) گریبان خود را چاک کرد و صیحه ای کشید و بیهوش روی زمین افتاد.

امام حسین (علیه السلام) می بیند این خواهر باید از پس فردا چهل منزل جلوداری کند پس باید خواهر را آماده کند نمی دانم چطور خواهر را به حال آورد وقتی به حال آمد این جملات امام (علیه السلام) است که حضرت

فرمودند: «يَا أُحْتَاةُ أَنْتَیِ اللَّهُ وَتَعَزَّیِ بَعَزَاءُ اللَّهِ ۳۵»، از خدا بترس و به عزای الهی متعزی باش، «وَاعْلَمِي أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ وَأَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقَوْنَ ۳۶».

زمینی ها می میرند آسمانی ها می میرند؛ پیغمبر از من بهتر بود رفت! علی از من بهتر بود رفت! فاطمه از من بهتر بود رفت! حسن از من بهتر بود رفت! همه رفتند، «وَلِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُسْوَةٌ ۳۷»، همه باید به پیغمبر اقتدا کنیم، پیغمبر (علیه السلام) در مصائب تحمل می کرد.

تا اینجا زینب یک مقدار آرام شد حالا که دید خواهر آرام شد یک تعهدی گرفت و فرمود: «يَا أُخَيَّةُ!»، یعنی

خواهرک من، دارد با مهربانی سخن می گوید، «يَا أُخَيَّةُ إِنِّي أَفْسَمْتُ فَأَبْرِي قَسَمِي ۳۸»، می خواهم قسمت بدهم و باید قسم من را عملی کنی!

خیلی حسین را دوست دارد علاوه بر اینکه امام اوست و امر امام واجب است در حدی که انسان توان دارد، فرمود چه باید کرد؟ فرمود خواهرم وقتی من مثل فردایی از دنیا رفتم و شهید شدم مبدا صدا به واویلا بلند کنی و مبدا گریبان خود را چاک کنی، مبدا صورت خود را بخراشی ۳۹

حتماً زینب کبری (علیها السلام) هم قبول کرده است؛ اما من به شما گفتم قبلاً، الان نیز بگویم آن قدر مصیبت روز عاشورا سنگین بود که زینب نتوانست وفا کند یک دفعه دیدند صدا می زند «والمحمّداه، وواجداه، وانبیاه، وأبا القاسماه، وواعلیاه، واجعفراه، واحمزتاه ۴۰». دید رو به دشمن می زند، رو به دوست می زند؛ ولی کسی جوابش را نمی دهد یک دفعه دیدند گریبان چاک کرد، از ته دل صدا می زند و حسیناه. قصد زیارت کن سه مرتبه صدا بزن یا حسین...

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

فهرست منابع

۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت‌الله، غفاری، علی‌اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۴۵، ص ۴۹.
۲. غفاری، علی‌اکبر، و ابن شعبه، حسن بن علی. ۱۳۶۳-۱۴۰۴. تحف العقول. ۱ ج. قم - ایران: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، ص ۴۸۳.
۳. سوره روم، آیه ۷.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ۲ ج. تهران - ایران: جهان، ج ۱، ص ۱۷۵.
۵. سوره حج، آیه ۶۳.
۶. سوره فاطر، آیه ۹.
۷. صالح، صبحی، شریف رضی، محمد بن حسین، و علی بن ابی طالب (ع)، امام اول. ۱۴۱۴. نهج البلاغه (صبحی الصالح). ۱ ج. قم - ایران: مؤسسه دار الهجرة، ص ۱۰۶.
۸. سوره اعراف، آیه ۱۷۲.
۹. دیوان بهایی، شیر و شکر، بخش ۱.
۱۰. سوره جاثیه، آیه ۲۴.
۱۱. Wall Street.
۱۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت‌الله، غفاری، علی‌اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۹۵، ص ۴۱۳.
۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت‌الله، غفاری، علی‌اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۹۵، ص ۴۱۴.
۱۴. ابن بابویه، محمد بن علی، و غفاری، علی‌اکبر. ۱۳۶۱. معانی الأخبار. ۱ ج. قم - ایران: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ص ۲۸۸.
۱۵. ابن بابویه، محمد بن علی، و غفاری، علی‌اکبر. ۱۳۶۱. معانی الأخبار. ۱ ج. قم - ایران: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ص ۲۸۹.
۱۶. ابن بابویه، محمد بن علی، و کمره‌ای، محمدباقر. ۱۳۷۶. أمالی شیخ صدوق. ۱ ج. تهران - ایران: کتابچی، ص ۵۷۰ و ۵۷۱.
۱۷. سوره واقعه، آیه ۴۷.
۱۸. سوره عنکبوت، آیه ۶۴.
۱۹. سوره ق، آیه ۳۵.
۲۰. با اندک تغییری، لَيْسَ مَنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت‌الله، غفاری، علی‌اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۷۵، ص ۳۴۶.

۲۱. سوره اعراف، آیه ۳۲.
۲۲. سوره طه، آیه ۱۲۴.
۲۳. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۲، ص ۲۳.
۲۴. سوره زمر، آیه ۳۰.
۲۵. سوره شرح، آیه ۵.
۲۶. سوره شرح، آیه ۶.
۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۴۵، ص ۴۹.
۲۸. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۴۱۳-۱۳۷۲. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۳.
۲۹. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۴۱۳-۱۳۷۲. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۳.
۳۰. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۴۱۳-۱۳۷۲. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۳.
۳۱. امینی، عبدالحسین، و ابن قولویه، جعفر بن محمد. ۱۳۵۶-۱۳۱۶. کامل الزیارات. ۱ ج. نجف اشرف - عراق: مطبعة المرتضویة، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، و مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث. ۱۴۱۷-۱۳۷۵. إعلام الوری بأعلام الهدی. ۲ ج. قم - ایران: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ج ۱، ص ۴۵۷.
۳۳. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۴۱۳-۱۳۷۲. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۳.
۳۴. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۴۱۳-۱۳۷۲. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۳.
۳۵. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۴۱۳-۱۳۷۲. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۴.
۳۶. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۴۱۳-۱۳۷۲. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۴.

۳۷. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۳۷۲-۱۴۱۳. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۴.

۳۸. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۳۷۲-۱۴۱۳. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۴.

۳۹. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۳۷۲-۱۴۱۳. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۴.

۴۰. باندک تغییری به نقل از حضرت زینب کبری سلام الله علیها؛ بحرانی، عبد الله بن نور الله، موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، و مدرسه الامام المهدي علیه السلام. ۱۳۷۵. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال. ۱۱ ج. قم - ایران: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، ج ۱۷، ص ۳۰۳ و به نقل از حضرت ام کلثوم سلام الله علیها، بحرانی، عبد الله بن نور الله، موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، و مدرسه الامام المهدي علیه السلام. ۱۳۷۵. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال. ۱۱ ج. قم - ایران: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، ج ۱۷، ص ۳۱۴.